بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری 7 بهمن 1394.

خب یکی از روایات بحث ما روایتی هست که مردد هست که محمد بن مروان راوی اش هست یا محمد بن مسلم؟ یک نکته ای عرض کنم آیا ترجیحی اصلا این دو تا نسخه بر هم دیگر دارند یا خیر؟ به نظر می رسد که از بعضی جهات نسخه محمد بن مسلم ترجیه دارد و از بعضی جهات نسخه محمد بن مروان این است که مجموعا یک ترجیح قابل توجهی به دست نمی آید و مشکل است که تعیین کنیم درست و غلط آن چیست. از یک جهت اکثر نسخ کافی محمد بن مسلم است و این خودش ترجیح محمد بن مسلم است. ولی از طرف دیگر در تهذیب محمد بن مروان هست به علاوه بر اینکه محمد بن مروان از محمد بن مسلم غیر مشهور تر هست. و معمولا روند تحریف تبدیل غیر مشهور به مشهور است. این مطلب اقتضا می کند که ما محمد بن مروان را که غیر مشهور تر باشد آن را اصیل بگیریم و بگوییم که او تبدیل شده است به محمد بن مسلم که مشهور باشد. ولی از آن طرف هم اکثریت نسخ کافی هم آن طرفش است. این است که مجموعا یک چیز قابل توجهی از آن در نمی آید که ببینید کدام درست است و کدام غلط است. روی همین جهت باید محمد بن مروان بررسی شود که مراد از محمد بن مروان کیست. محمد بن مروان یک بحث خیلی سنگین رجالی است. از بحث های بسیار سنگین هست به دلیل نبودن یک شواهد خیلی روشنی که مطلب را تمام کند. ولی خب راه حل هایی برای حل این مشکل هست. ما در اسناد، سه شکل محمد بن مروان داریم. حالا بفرمایید چهار شکل. گاهی اوقات محمد بن مروان از امام باقر مستقیم روایت می کند. گاهی اوقات مستقیم از امام صادق روایت می کند. گاهی اوقات از امام باقر با واسطه و گاهی اوقات از امام صادق با واسطه. این چهار شکل. این چیزهایی که مورد بحث ما هست این چهار شکل است. البته محمد بن مروان هایی که در طبقه متأخر است آنها را هم داریم ولی آنها دیگر خیلی در بحث ما وارد نمی شود و این است که آن را اصلا از محور بررسی خارج می کنیم. این چهار شکلی است که می توانند به هم دیگر کمک کنند در حل ابهامی که در محمد بن مروان هست روایات مستقیم و غیرمستقیم از امام باقر یا امام صادق، این چهار شکل. از آن طرف در کتب رجالی، افراد زیادی به نام محمد بن مروان ذکر شده است. بعضی جاها با مشخصه و بعضی جاها بدون مشخصه. در باب اصحاب الباقر علیه السلام دو تا محمد بن مروان ذکر شده است. محمد بن مروان کلبی و محمد بن مروان بصری. در اصحاب الصادق سه تا محمد بن مروان ذکر شده است. محمد بن مروان بن عثمان مدنی. محمد بن مروان بصری که حدث عنه اسید بن زید. و محمد بن مروان ذهلی بصری که اصله کوفی. این هم سه تا. در فهرست هم دو تا محمد بن مروان ذکر شده است. یکی محمد بن مروان ذهلی به این عنوان و یکی هم محمد بن مروان خالی. مشخصه اش هم ذکر نشده است. در رجال کشی هم یک محمد بن مروان بصری ذکر شده است در ذیل آن می گوید این محمد بن مروان، محمد بن مروان سدّی نیست. در رجال کشی یک محمد بن مروان بصری عنوان کرده است و می گوید که این بصری با محمد بن مروان سدّی فرق دارد. حالا بعدا عبارت هایش را می خوانم. در مناقب ابن شهرآشوب هم یک محمد بن مروان کوفی من ولد ابی الاسود یک همچین شخصی را در مناقب ابن شهراشوب در اصحاب الباقر ذکر کرده است. خب حالا این عناوین متعددی که هست. حالا در رجال برقی هم افرادی هست در جاهای دیگر هم افرادی هست آن ها بماند. ما در بررسی این عناوین یکی دو تا نکته به طور کلی از جهت روشی می خواهم عرض کنم که مهم است در این بحث ها. یکی اینکه این عناوینی که شیخ در رجال خودش و در فهرست ذکر کرده است، اینها مصدرش چیست و از کجا گرفته شده است و مربوط به چه مصدری است؟ این در بحث کاملا دخالت دارد. حالا عرض می کنم دخالتش از چه جهت است. تعیین مصدر در این بحث ها خیلی مهم است. من برای تعیین مصدر یک بحث مفصلی یک مقاله ای نوشته ام در مورد رجال شیخ. رابطه رجال شیخ با رجال برقی به تناسب آنجا یک سری بحث هایی که الآن به صورت اصل موضوع به آن می پردازم تفصیلش در آن مقاله ارتباط بین رجال شیخ و رجال برقی آمده است که این مقاله در مجموعه مقالات سومین کنگره جهانی امام رضا علیه السلام جلد دوم چاپ شد. یک مقاله مفصلی است. حالا بعضی از نکاتی که اینجا به اجمال اشاره می کنم اگر کسی تفصیلش را بخواهد در آن مقاله است.

سوال: فارسی است؟

پاسخ: بله فارسی است.

این یک نکته که منبع این عناوین مختلف چیست. نکته دوم این است که این عناوین کدامشان با همدیگر یکی هستند و کدامشان یکی نیستند. بحث وحدت و تعدد این عناوین را می خواهیم طرح کنیم و نهایتا ببینیم به چند عنوان می رسیم این هم دو نکته. نکته سوم اینکه این چند تا عنوانی که آخرش به آن می رسیم کدام یک از این عناوین می توانند مراد از محمد بن مروان مطلقی باشند که در اسناد وارد شده است. این نکته را هم خوب بود اول ذکر می کردم که در اسناد با مشخصه محمد بن مروان بسیار نادر ذکر شده است. کل مثلا محمد بن مروان ای که خصوصیت در موردش در اسناد ذکر شده باشد سه چهار تا است در حالی محمد بن مروان بیش از صد روایت دارد و همه اش تعبیر تعبیر مطلقی است که در مورد محمد بن مروان ذکر شده است. خب حالا یکی یکی بیاییم این عناوینی که هست را ذکر کنیم و در موردشان صحبت کنیم. در اصحاب الباقر، از رجال شیخ دو تا محمد بن مروان هست. یکی محمد بن مروان کلبی و یکی محمد بن مروان بصری. ولی در رجال شیخ اصحاب الباقرش، یکی از منابع اصلی رجال برقی است. رجال برقی مقایسه ترتیب رجال شیخ با ترتیب رجال برقی نشان میدهد که منبع اصلی رجال شیخ در باب اصحاب الباقر علیه السلام رجال برقی است. البته برخی عناوین را از کتب دیگر هم اضافه کرده است. در این باب میم از اصحاب الباقر، از اول باب تا عنوان موسی بن زیاد، این ها از رجال برقی است. به این معنا، این را توجه بفرمایید، رجال برقی ترتیبش الف بایی نیست. رجال شیخ ترتیبش الفبایی است. ایشان در هر بابی که ما می گوییم از رجال برقی گرفته شده است یعنی مرحوم شیخ طوسی مراجعه به رجال برقی کرده است و عناوینی که به ترتیب میم داشته است را انتخاب کرده است و مقایسه کنید از اول باب میم اصحاب الباقر از رجال شیخ تا عنوان موسی بن زیاد، دقیقا به همین ترتیب و گاهی هم یک مقداری بالا پایین کردن که گاهی اوقات اینها از غلط نسخهه و امثال اینها هم گاهی اوقات ناشی می شود اینها از رجال برقی گرفته شده است. بعد از آنها بقیه اش از منابع دیگری است. از این محمد بن مروان های ما یک تکه اش قسم اول است و یک تکه اش قسم دوم است. محمد بن مروان کلبی قسم اول است و محمد بن مروان بصری این قسم دوم هست. اینکه از یک منبع گرفته باشد یا از دو منبع، اثرش اینجا ظاهر می شود. اگر دو عنوانی که ما میخواهیم بگوییم آیا این دو عنوان یکی هستند یا خیر، از یک منبع گرفته باشد احتمال اینکه این دو عنوان یکی باشند اگر از یک منبع باشد تضعیف می شود. چون اگر اینها یکی باشند باید آن مؤلف آن مصدری که این عنوان از آن گرفته شده باشد آن هم اشتباه کرده باشد. وحدت دو تا عنوان در واقع هم باید بگوییم شیخ ملتفط وحدت نشده است و علاوه بر آن، آن منبع هم باید ملتفط نشده باشد. ولی اگر از دو تا منبع باشد، خب شیخ طوسی فقط باید بگوییم که متوجه نشده است. دو تا منبع مختلف، یک منبع مثلا کلبی را ذکر کرده و یک منبع بصری را ذکر کرده است و ممکن است اینها یکی باشند. این است که این تأثیر دارد در مورد اینکه از یک منبع اخذ شده اند یا از دو منبع. خب این یک مرحله. اما در آن اصحاب الصادق علیه السلام آن سه تا محمد بن مروانی که هست سه تا پشت سر هم هست. محمد بن مروان بن عثمان مدنی، محمد بن مروان بصری، محمد بن مروان ذهلی بصری که اصله کوفی به این عنوان او را ذکر کرده است. در مورد رجال شیخ اصحاب الصادق اش، شیخ تصریح می کند در مقدمه که کتاب محوری اش رجال ابن عقده است. که می گوید من اول عناوین رجال ابن عقده را ذکر می کنم و بعدا عناوین غیر رجال ابن عقده را ذکر می کنم. اینکه حالا در هر بابی تا کجایش مال ابن عقده است و تا کجایش بعد از آن مال ابن عقده است این را هم من در همان مقاله ارتباط رجال شیخ و برقی به تفصیل تک تک مواردش را ذکر کرده ام که در هر باب از کجا تا کجایش مال ابن عقده است و از آن به بعدش مال غیر ابن عقده است. این سه تا عنوان مروان بن عثمان مدنی، و محمد بن مروان بصری که حدث عنه اسید بن زید و محمد بن مروان ذهلی بصری که اصله کوفی، این سه تا عنوان در قسمت هایی هست که از ابن عقده گرفته شده است. پس ابن عقده هم در اصحاب الصادق اش سه تا عنوان ذکر کرده است. آن بصری ای که اسید بن زید از او نقل می کند با ذهلی بصری را کأنه ابن عقده هر دو را ذکر کرده است و ممکن است بگوییم که ابن عقده هم این دو تا را دو تا می دانسته است.

در اینها، این محمد بن مروان ذهلی بصری که مرحوم شیخ ترجمه کرده و تاریخ وفاتش را هم ذکر کرده است 161. در کتاب های عامه احیانا وارد شده است. در کتب عامه احیانا در بعضی کتب نسبتا کم البته زیاد نیست یک روایتی که آنها نقل کرده اند از همین محمد بن مروان ذهلی که نشان گر این هست که شاید یک نوع نشانه تشیع اش هم باشد این است

**محمد بن مروان ذهلی عن ابی حاضر عن ابی حریره عن رسول الله صلی الله علیه و آله قال ان ملکا من السماء لم یکن زارنی فاستأذن الله فی زیارتی فبشرنی انّ فاطمه سیده نساء امتی و ان الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنه**

این روایت را محمد بن مروان ذهلی نقل کرده است که در کتب عامه در مصادر مختلفشان از همین محمد بن مروان ذهلی نقل شده است.

دو تا محمد بن مروان هم در فهرست، حالا اینها آن محمد بن مروان کلبی، با محمد بن مروان بصری که در اصحاب الباقر بودند حالا این هایکی هستند یا خیر خب باید تأمل کرد. این سه نفری که در اصحاب الصادق هستند آن مدنی اش تقریبا با اینکه آن بصری ذهلی یکی نیستند روشن است. آن که آن محمد بن مروان بصری اش با محمد بن مروان ذهلی بصری اش یکی هستند یا خیر آن را یک مقداری باید تأمل کرد. اما در فهرست شیخ هم دو تا محمد بن مروان داریم. یکی از آنها محمد بن مروان ذهلی است. که علی القاعده همان شخصی است که در اصحاب الصادق به عنوان بصری ذهلی ترجمه شده است. فقط یک نکته این اینجا وجود دارد که ممکن است شخصی توهم کند که این شخص دیگری است. آن این است که آن محمد بن مروان ذهلی در رجال شیخ می گوید که متوفی 161 است. این محمد بن مروان ذهلی که در فهرست شیخ ترجمه شده است راوی اش ابن سماعه است. ابن سماعه که حسن بن محمد بن سماعه است شیخ حمید بن زیاد، 263 از دنیا رفته است. یعنی 102 سال بعد از آن محمد بن مروان ذهلی بصری معروف. خب از این جهت ممکن است گفته بشود که این آن نیست دیگر. نمی شود یک نفر بین استاد و شاگرد 102 سال فاصله باشد. پس این باید یک شخص دیگری باشد. ولی پاسخ این مطلب این هست که ما در جای خودش این بحث را دنبال کرده ایم که در فهرست شیخ طوسی، در اسنادی که در طرقی که در آن حمید واقع هست ارسال و سقط به نحو بسیار زیاد واقع است. یعنی ارسال کثیرا ما در اینها ارسال رخ داده است. و ما در جای خودش این را گفته ایم که شاید مثلا حدود سی چهل نفر در فهرست شیخ هستند که در اسنادشان حمید واقع است که آمار دقیقشان الآن یادم نیست. از این سی چهل نفر، هفت هشت ده نفرشان استاد های خود حمید هستند آنها هیچی. از استاد های حمید که بگذریم تمام افراد دیگری که در فهرست شیخ واقع هستند همه اش با یک واسطه از آنها نقل کرده است در حالی که آنها در طبقه های مختلفی هستند و کاملا طبقه هایشان مختلف است ولی با کمال تعجب آدم می بیند که همه اش را با یک واسطه نقل کرده است در حالی که در منابع دیگر اینجور نیست. مثلا رجال نجاشی اینجور نیست در اسناد اینجور نیست که از آنها با یک واسطه حمید نقل کند. ولی در فهرست شیخ همه اینها با یک واسطه به وسیله مشایخش، آن واسطه هم یکی از مشایخش است. به همین جهت من به نظرم می رسد که شیخ طوسی اصل کتاب حمید دستش نبوده است. اصل فهرست شیخ دستش نبوده است. یک چکیده ای از فهرست شیخ در اختیار شیخ طوسی بوده است حمید بن زیاد یک فهرستی داشته است و این فهرستی که ایشان داشته است ایشان اصل این فهرست را در اختیار ند اشته است یک کتابی که چکیده این فهرست بوده است یا اجازه ای که برگرفته از این فهرست بوده است آن را داشته است. و این کتاب این شکلی بوده است که مثلا حمید گفته است که من از طریق فلان استادم این ده تا کتاب را نقل می کنم. نه این که ده تا کتاب را آن استاد مستقیم است. فهرست کتاب های مختلفی را که حمید نقل می کرده است به تفکیک اساتید در آن کتاب آمده بوده است. می گوید که از طریق این استادم این ده تا کتاب نقل می کنم. از طریق این استادم این پنج تا کتاب را نقل می کنم. از طریق آن استادم این پانزده تا کتاب را نقل می کنم. از طریق آن استادم این چند تا. و علتی که همه سند هایش با یک واسطه شده است تمام سند هایی که شیخ طوسی از آنها نقل می کند یک واسطه شده است همین است که یک اصل کتاب حمید دستش نبوده است. اصل کتاب حمید در اختیار شیخ نجاشی بوده است. ایشان با دو واسطه و سه واسطه، مختلف سند های گوناگون نقل می کند. رو همین جهت طرق حمید بن زیاد که در فهرست شیخ هست دال بر تعیین طبقه راویان نمی تواند باشد. چون فرض کنید همین ایشان گفته است که من کتاب محمد بن مروان ذهلی را از طریق ابن سماعه نقل می کنم. حمید در کتابش مثلا همچین نکته ای را گفته است. این معنایش این نیست که ابن سماعه مستقیم نقل کرده است. اعم از اینکه مستقیم است یا غیر مستقیم و امثال اینها است، این را مفاد کلمه ابن سماعه عنه که در اینجا واقع هست نقل قول مستقیم ابن سماعه از محمد بن مروان ذهلی نیست. بنابراین، این همان محمد بن مروان ذهلی معروف است که به دلیل همین مشکل کلی که یک نوع خلاف ظاهری در عبارت فهرست شیخ طوسی در اسناد حمید هست این مشکل ایجاد شده است. آن محمد بن مروان دومی که ما داریم در آن هم همین مشکل وجود دارد. آن هم این است که در سندش حمید وجود دارد چون در سندش حمید وجود دارد، آن هم با یک واسطه حمید نقل می کند. حمید عن ابی اسحاق ابراهیم بن سلیمان بن حیان الخزاز از آن محمد بن مروان نقل می کند. این باعث می شود که ما نمی دانیم که آن محمد بن مروان کیست. ممکن است آن محمد بن مروان هم همین بصری ذهلی باشد، این ممکن است باشد که متوفی 161 است و ممکن است یکی دیگر باشد. این مشکلی در مورد اسناد حمید در فهرست شیخ هست که نمی توانیم با آن ما تعیین طبقه روات کنیم. برای تشخیص افرادی که ذکر می شوند مهم ترین راه تعیین طبقه هست. تعیین طبقه هم عمدتا از راه راوی و مروی عنه است. وقتی راوی و مروی عنه آن یک همچین ابهامی داشته باشد که معلوم نیست که مثلا روایت های مشایخ حمید از صاحب کتاب ها مستقیم یا با واسطه هست دیگر کل تعیین طبقه را خراب می کند و نمی شود فهرست شیخ را کاری کرد. رو همین جهت ما بحث فهرستی شیخ را اصلا حذف می کنیم چون معلوم نیست اصلا آن محمد بن مروان هایش کیست و ممکن است همین باشد و ممکن است شخص دیگری باشد این است که آن به اصطلاح از جهت اینکه آن محمد بن مروان هایی که در فهرست شیخ هستند چه کسانی هستند خیلی بررسی نمی کنیم البته آن ذهلی اش باید همان باشد. با توجه به آن نکته ای ک اصلا دو نفر محمد بن مروان ذهلی بودن خیلی مستبعد هست آن ذهلی اش باید همان ذهلی مورد بحث ما باشد که در رجال شیخ آمده است ولی آن یکی اش معلوم نیست کیست و طبیعتا ما نمی توانیم در موردش صحبتی کنیم.

سوال: حاج اقا محمد بن مروان ..... کتاب، در همان فهرست

پاسخ: نه همانی هست که حمید است. گفته است له کتاب ولی پنج شش نفر را بعد از آن ذکر می کند و بعد می گوید که رویناها کلها بهذا الاسناد عن حمید عن ابی اسحاق ابراهیم بن سلیمان بن حیان خزاز عنهم آن طریق بعدی به این ها مربوط است. ما در برنامه درایه النور یکی از کارهایی که کردیم تراجم مرتبط. تراجمی که به هم دیگر مرتبط داشته اند برای اینکه شبیه این اشکال پیش نیاید ما اینجور تراجم را با هم دیگر یک کاسه کردیم تا شخصی که مثلا محمد بن مروان را هم می بیند تا آخر اینها برود که فقط آن ترجمه را نگاه نکند. از اول این تا آخر این تراجم مرتبط به هم قرار دادیم که طریق را خیال نکند که...

سوال: معلوم می شود که این حمید تا آن پایین همه از یک کتاب اخذ شده

پاسخ: همه از یک کتاب اخذ شده است دیگر. همین را می خواهم عرض کنم. اینها همه اش ابی اسحاق، همان نکته ای که می خواستم بگویم اینجا مؤید اش هست. پنج شش تا روایت را نقل می کند به یک طریق. همان نکته ای که می گفتم که ایشان می خواسته بگوید در کتاب حمید گفته است من این پنج تا کتاب را از طریق ابی اسحاق ابراهیم بن اسحاق نقل کرده ام. حالا این ابی اسحاق ابراهیم بن سلیمان مستقیم یا با واسطه است چی هست اینها را دیگر تعیین نکرده است. یعنی در واقع کتابی که به نام فهرست حمید در اختیار شیخ طوسی بوده است حالا شاید فهرست حمید نه، کتابی که اسناد حمید فهرست شیخ از آن کتاب اخذ شده است آن کتاب، کتابی بوده است که فهرست کتبی بوده است که حمید نقل می کرده است به تفکیک مشایخ. مثلا یک قسمت آن، کتاب هایی را که از طریق ابی اسحاق ابراهیم بن سلیمان الحیان الخزاز نقل کرده است. یک لیست بلندبالا ایشان داشته است و به احتمال زیاد ممکن است اصلا به ترتیب الفبایی هم نبوده است و شیخ اینها را تفکیک کرده است. آن قسمتش که باب میم بوده در باب میم اش اورده است. فرض کنید ایشان گفته است که من چهل تا کتاب را از طریق ابراهیم بن سلیمان بن حیان خزاز نقل می کنم. لیست پشت سر هم آورده بوده است و شیخ اینها را تفکیک کرده است و باب های الف را در باب الف برده است و به همین صورت. میم را هم که مورد بحث ما است اینها را آورده است در باب میم. بنابراین چون اصل فهرست حمید، یعنی فهرستی که اسناد کامل حمید را در بر داشته است در اختیار شیخ نبوده است این سند هایی که ایشان از کتاب حمید نقل می کند یکی از منابع فهرست شیخ هست آن سند ها همیشه این مشکل را داشته است. این یک بحث خیلی کلیدی است در بحث های رجالی. خیلی جاها ادعای تعدد شده است، ادعای وحدت شده است بحث های مختلف رجالی اینجا با این نکته ای که می گویم به اصطلاح تعیین و تکلیفش فرق می کند. آقای خوئی خیلی جاها استدلال می کنند که فلانی آن شخص نیست. حسن بن محمد بن سماعه از او نقل می کند این نمی تواند اصحاب الباقر باشد چه باشد همه این بحث ها با این نکته کلیدی که عرض کردم تغییر می کند. من یک موقعی این نکته را خدمت حاج آقا هم عرض کردم و در خیلی از استدلالاتی که وجود داشت تغییر ایجاد شد این بحث خیلی محوری است. بحث های حاج اقا در درس هایشان هم با توجه به این نکته بحث را تغییر داده اند و اینها. خب بماند.

حالا بیاییم ببینیم که باید چه کار کنیم. آقای خوئی اینجا بحث را که دنبال کرده اند اینجوری مطرح کرده اند یک بحثی اینجا داریم محمد بن مروان البصری، ایشان گفته اند که ما یک محمحد بن مروان بصری داریم که در اصحاب الباقر است. این را ذکر کرده اند بعد گفته اند در اصحاب الصادق هم محمد بن مروان البصری ذکر شده است با حدث عنه اسید بن زید، بعدش ذکر شده است. و یک محمد بن مروان الکوفی منم ولد ابی الاسود را آن هم ذکر شده است. حالا این را قبل از اینکه کلام آقای خوئی را ذکر کنم عبارت رجال کشی را هم من ذکر کنم.

مرحوم کشی، یک عنوانی دارد به نام محمد بن مروان البصری. بعد در ذیل آن اینجور دارد می گوید که حکی العیاشی، عیاشی در نسخه چاپی، شده عباسی آن غلط است عیاشی درست است. در حاشیه از بعضی نسخ نقل می کند عیاشی معروف است.

**حَكَى الْعیاشیُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ، قَالَ: كَانَ مُحَمَّدُ بْنُ مَرْوَانَ يَسْكُنُ الْبَصْرَةَ وَ كَانَ أَصْلُهُ الْكُوفَةَ، وَ لَيْسَ هُوَ الَّذِي رَوَى تَفْسِيرَ الْكَلْبِيِّ، ذَلِكَ يُسَمَّى مُحَمَّدُ بْنُ مَرْوَانَ السُّدِّيُّ.**

**وَ قَالَ حَمْدَوَيْهِ: حَدَّثَنِي بَعْضُ مَنْ رَأَيْتُهُ قَالَ: مُحَمَّدُ بْنُ مَرْوَانَ مِنْ وُلْدِ أَبِي الْأَسْوَدِ الدُّؤَلِيِّ**

این را هم اینجا دارد. آقای خوئی بعد یک نفر دیگری هم در مناقب ابن شهرآشوب هست. محمد بن مروان الکوفی من ولد ابی الاسود. آقای خوئی همه این چند نفر را یکی گرفته است. محمد بن مروان بصری که در اصحاب الباقر است. محمد بن مروان البصری که در رجال کشی است. محمد بن مروان الکوفی که من ولد ابی الاسدو دؤلی است. این ها را یکی کرده است. همه این سه تا را که یکی کرده است اینها را برای یک کسی تطبیق کرده است به نام محمد بن مروان البصری که حدث عنه اسید بن زید. بر او تطبیق کرده است و بعد فرموده است که این محمد بن مروان بصری که حدث عنه اسید بن زید با محمد بن مروان ذهلی بصری دو تا است. چرا دو تا است؟ چون شیخ هر دو را عنوان کرده است. تعدد ذکر شیخ دلالت بر این می کند که معنونین اینها هم دو نفر هستند. خب حالا این استدلال دو مرحله بحث دارد. یک مرحله بحث این است که آقای خوئی محمد بن مروان بصری که در رجال شیخ بود با محمد بن مروان بصری ای که در رجال کشی بود، این دو تا را با محمد بن مروان بصری که حدث عنه اسید بن زید یکی گرفته است که هیچ دلیلی نداریم. آن محمد بن مروان بصری ممکن است همین ذهلی باشد. عنوان بصری که ذکر شده است، یعنی دو تا بصری در رجال شیخ در اصحاب الصادق اش ذکر شده اند. یکی را با حدث عنه اسید بن زید مشخص کرده است و یکی از آنها را با ذهلی که شرح حال هم در موردش ذکر کرده است و مشخصاتش را هم ذکر کرده است. اینکه آن بصری ای که در اصحاب الباقر هست کدام یک از این دو تا است معلوم نیست. هیچ روشن نیست که با آن یکی تطبیق کرده است آقای خوئی، این را با آن حدث عنه اسید بن زید تطبیق داده است که خب هیچ روشن نیست که چرا به آن تطبیق داده است. با آن یکی تطبیق نداده است. این یک مرحله. حالا این مرحله را گذشتیم اصل این مطلب که آیا تعدد ذکر در رجال شیخ دال بر تعدد معنوین هستند این مطلب درست است یا خیر؟ اول این مطلب را تقویت کنم این استدلال را. آن این است که اینها دو نفری که هستند پشت سر هم هستند. این پشت سر هم بودن اولا نشانگر این هست که شیخ گاهی اوقات بعضی افراد را شیخ در رجال تکرار کرده است برای اینکه یادش رفته است. به عین تعبیر مثلا در اول باب میم یک عنوان آورده است و عین همین تعبیر را هم در آخر باب میم آورده است. خب اینها به غفلت است. تکراری که از باب به فاصله زیاد وقتی بین دو تا عنوان باشد احتمال اینکه شیخ طوسی غفلت کرده است و چون ترتیب الف بایی اش کافی نیست که عنوان های مشابه زیر هم قرار بگیرد و افراد متوجه تکرار بشوند. رو همین جهت احتمال اینکه شیخ غفلت کرده باشد در این تکرار در عناوینی که فاصله دار هستند وجود دارد. حالا عناوینی که پشت سر هم هستند دیگر این احتمال نمی دهد. پس تعدد ذکر شیخ از باب غفلت نیست این یک. نکته دوم در تأیید این مطلب این است که ما گفتیم که این تکه مال رجال ابن عقده است. این سه تا عنوان، محمد بن مروان مدنی و بصری خالی و ذهلی بصری سه تایش مال ابن عقده است. پس در رجال ابن عقده هم این سه تا پشت سر هم بوده اند و این سه تا هر سه شان ذکر شده اند. پس معنایش این است که ابن عقده هم این ها را تعدد ذکر داشته است. فقط تعدد ذکر در رجال شیخ نیست. تعدد ذکر در رجال ابن عقده آن هم پشت سر هم و رجال ابن عقده مهم تر از رجال شیخ است از این جهت. به این دلیل که ابن عقده خیلی دانشمنمد خیلی حافظ عجیبی بوده است در رجال خیلی خبرویت داشته است و شیخ طوسی خب یکی از فنون کاری اش رجال بوده است. شاید پایین ترین مقام ارزش علمی اش رجالش بوده است. کارهای اصلی اش فقه و اصول و تفسیر و کلام و اینهایش به آنها بیشتر اهمیت می داده است. رجال یک گوشه کوچکی از ارزش های شیخ طوسی رجال بوده است به خلاف ابن عقده. ابن عقده محدث رجالی است. اصلا تخصصش در حدیث شناسی و رجال هست و بنابراین بحث ابن عقده خیلی ارزشمندتر هست از اینکه ابن عقده تعدد ذکر کرده باشد. بنابراین این بگوییم مثلا تعدد ذکر دلیل بر تعدد معنونین هستند. ولی مطلب اینجور نیست. اصل این استدلال ناتمام است. چون حداکثر چیزی که هست آن این هست که شیخ طوسی به وحدت اینها متوجه نشده است. ابن عقده هم متوجه نشده است. اینها در یک سند روایت اسید بن زید از محمد بن مروان بصری را برخورد کرده اند و برایشان ثابت نشده است که این ذهلی بصری است. مشخص است یعنی قرینه مشخصی که بگوید حتما آن ذهلی بصری است برایش پیدا نکرده اند. خب این را ذکر کرده اند به دلیل اینکه نمی دانسته اند که این یکی هست یا یکی نیست. به خاطر همین حداکثر مطلبی که از رجال شیخ استفاده می شود این هست که شیخ طوسی و ابن عقده به وحدت محمد بن مروان ذهلی بصری با محمد بن مروان ذهلی شیخ اسید بن زید پی نبرده اند. این مطلب خوب است خودش در همین حد. گاهی اوقات قرینه جزو مؤیدات وحدت است ولی نه اینکه شیخ شهادت بر تعدد بدهد. آخه گاهی اوقات آقای خوئی تعبیر می کند که صریح الشیخ. این است که اینها دو نفر هستند. صریح الشیخ. نه تنها صریح نیست ظاهر هم نیست. حداکثر چیزی که از کلام شیخ این هست این است که شیخ به وحدت اینها پی نبرده است. بعله، شیخ و ابن عقده به وحدت اینها پی نبرده اند و به خاطر همین است که هر دو را ذکر کرده اند. اما اینکه این حتما دو نفر نبوده اند نه، ممکن است اینها یک نفر باشند و شیخ طوسی و ابن عقده متوجه وحدت اینها نشده است. به دلیل مخفی بودن وحدت اینها. قرائن وحدت را متوجه نشده اند. پس بنابراین آن محمد بن مروان بصری ای که اسید بن زید از او نقل می کند ممکن است همین ذهلی باشد. علی ای تقدیر آن که اینجا حالا وقت گذشته است من فقط اصل بحث را عرض کنم آن این است که در این طبقه اصحاب الباقر، سه نفر محمد بن مروان معروف داریم. یکی محمد بن مروان عقیلی است. که این محمد بن مروان عقیلی، سنی است و عجلی عقیلی است. سنی هست در کتب عامه ترجمه شده است و هیچ شاهدی بر اینکه بر اسناد ما وارد شده باشد و با روات ما درگیر باشد و روات ما از او نقل کنند و او از روات ما نقل کند از امام های ما نقل کنند من هیچ پیدا نکردم.

سوال: ...

پاسخ: در کتب عامه هست.

سوال: در فهرست نیامده است؟

پاسخ: نه نیامده است. محمد بن مروان عجلی عقیلی که در کتب عامه آمده است و خیلی شرح حال دارد. راوی و مروی عنه و همه این چیزهایش هم برایشان ذکر شده است. مفصل است آن محمد بن مروان عجلی عقیلی در کتب عامه، آن هیچی. آن ربطی به این محمد بن مروان ای که در اسناد ما واقع هست ندارد. محمد بن مروان بن قدامه العقیلی ابوبکر البصری المعروف بالعجلی. در تهذیب الکمال جلد 24 صفحه 387 ترجمه اش آمده است و راوی و مروی عنه و همه چیزهایش را هم ذکر شده است و خب طبقه مشایخش مشخص است. از همه اینها شاید معروف تر همین هست ولی معروف در میان عامه است. در میان عامه هست و هیچ ربطی به ما ندارد و تنها در بعضی اسناد ما که از کتب عامه گرفته شده اند این محمد بن مروان اراده شده است. آخه بعضی اسناد ما گاهی اوقات مثلا در کتب صدوق و امثال اینها احیانا بعضی از اسناد اسناد عامی است. در کتب صدوق مثلا من یادداشت کردم گاهی اوقات محمد بن مروان ازش عقیلی اراده شده است. در فضائل عشر ثلاثه در دلائل الامامه هست. در ارشاد هست. ملاعن و فتن هست. و در موارد دیگری اینها هست.

سوال: از امام باقر است؟

پاسخ: نه، امام باقر هم روایت ندارد. نه راوی اش از راوی های ما است و نه مروی عنه اش از مروی عنه های ما است. ولی در این طبقه هست. یعنی در طبقه ای هست که از جهت عصر و زمان همین هست ولی این ربطی به اسناد شیعی ندارد.

سوال: بصری هم هست؟

پاسخ: محمد بن مروان عقیلی بصری هم هست. محمد بن مروان عجلی، نمی دانم گفتم عنوانش را ابوبکر البصری آن هم بصری است و کوفی هم آن که اصلا کوفی ندارد.

این محمد بن مروان عقیلی در اسناد شیعیانه ما که بحث ما این است اسنادی که از امام باقر علیه السلام نقل شود ما عرض کردم محور ما این چهار تا موارد بود که از امام باقر یا امام صادق مستقیم یا با واسطه نقل کند. سندهایی که ربطی به اینها ندارد اصلا اسناد عامی هست به آنها کاری نداریم. خب این را بگذاریم کنار. دو تا محمد بن مروان دیگر می مانند که معروف هستند. یکی محمد بن مروان سدی است. و یکی محمد بن مروان ذهلی بصری است. خب یک محمد بن مروان کلبی هم در اسناد ما بود که باید در مورد آن هم صحبت کنیم. که آیا اولا این کلبی همان سدی است یا شخصی دیگر؟

سوال: ..کشی گفته بود

پاسخ: آن محمد بن مروان سدی همانی بود که کشی گفته بود این محمد بن مروانی که هست او نیست.

در واقع ما سه تا عنوان هست که باید بررسی شود رابطه اینها. یکی محمد بن مروان کلبی که در اصحاب الباقر است. یکی محمد بن مروان سدی هست که این سدی در کتب عامه خیلی ترجمه اش در کتب عامه هست. شرح حالش هم هست و راوی و مروی عنه اطلاعات خوبی در موردش در کتب عامه هست. که راوی کتاب تفسیر کلبی است. این هم دو. یکی محمد بن مروان ذهلی بصری. این سه نفر را باید بررسی کرد که آیا به کدام یک از اینها منصرف است این بحث را انشاءالله شنبه دنبال می کنیم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد